۳

از مجموعه‌ی

فارسی‌آموز داستانی
کلاس اولی‌ها









نوشته‌ی:
عفّت توپچی
تصویرگر:
مریم بخشی گهر

به نام خدا

از مجموعه‌ی

فارسی آموزِ داستانی
کلاس اوّلی‌ها (۳)

نوشته‌ی: عفّت توپچی

تصویرگر: مریم بخشی گهر

فهرست

از مجموعه‌ی شش جلدی فارسی‌آموز داستانی/ کلاس اوّلی‌ها جلد (۳)

نوشته‌ی: عفّت توپچی ویراسته‌ی: قاسم کریمی تصویرگر: مریم بخشی‌گوهر

زیر نظر شورای بررسی مؤسّسهٔ فرهنگی منادی تربیت و کارشناسان گروه ادبیات دفتر برنامه‌ریزی و تألیف و دفتر آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش

چاپ هشتم: ۱۳۸۸ ناشر: مؤسّسهٔ فرهنگی منادی تربیت تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مرکز گرافیک مؤسّسهٔ فرهنگی منادی تربیت

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: گلبان قیمت: ۸۵۰۰ ریال

شابک: ۷-۳۹۳-۳۴۸-۹۶۴-۹۷۸ ISBN 978-964-348-393-7 شابک(دوره) ۶-۳۹۰-۳۴۸-۹۶۴-۹۷۸ ISBN(SET) 978-964-348-390-6

توپچی، عفت فارسی‌آموز داستانی (کلاس اولی‌ها/ نوشته‌ی عفت توپچی. — — تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش عمومی و امور تربیتی. مؤسّسهٔ فرهنگی منادی تربیت. ۱۳۸۳. ۶ج.: مصور ۱- کتاب‌های قرائت (ابتدایی). ۲- فارسی — راهنمای آموزشی. ۳- خواندن (ابتدایی) — ایران. الف. ایران. وزارت آموزش و پرورش. مؤسّسهٔ فرهنگی منادی تربیت. ب. عنوان. جلد ۳ ۲ف۹ت/۲۸۱۶ PIR ۴فا۸/۶ کتابخانه ملی ایران ۲۸۷۷۲ ـ ۸۳م

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار.)

تهران، خیابان استاد نجات‌اللهی، بین چهارراه سمیه و طالقانی، کوچه بیمه. شماره ۲۶

تلفن فروشگاه: ۸۸۹۳۱۸۵۲

تلفن پخش: ۸۸۸۹۴۲۹۲

نمابر: ۸۸۸۹۴۲۹۰

مقدمه‌ی ناشر

فارسی‌آموزی، چیزی است که پایه‌های آن در سال اوّل دبستان شکل می‌گیرد؛ گرچه گاهی تند و زود، و گاهی کند و دیر. امّا در هر حال، با گسترش دایره‌ی واژگان کودک و تقویت حجم خواندنی‌ها و توسعه‌ی آشنایی او با ساختارهای ادبی جملات، می‌توان آموزش وی را تعمیق بخشید.

این «فارسی‌آموزِ داستانی»، از حیث ترتیب یادگیری بر بنیاد کتاب فارسی اوّل دبستان نهاده شده است؛ امّا نمی‌توان گفت به کلّی وابسته به آن است و بی آن حائز مرتبه و جایگاهی نیست. این کتاب، بر اساس سیاست ترتیب یاددهی حروف، ایجاد ساختارهای واژگانی و جمله‌ای بر مبنای حروف یادگیری شده، تکرار حروفِ یادگیری شده و کاربست آنها در کلمات تازه، ملموس کردن عبارات از طریق ارائه‌ی متن‌های داستانی و ایجاد علاقه‌مندی نسبت به موادّ آموختنی، تصویرخوانی تخیلی به منظور ایجاد ساختارهای ادبی و دستوری در ذهن کودک، خودآموزی و ارائه‌ی تراکمی واژه‌ها تدوین شده است.

هریک از سیاست‌های یادشده، تشکیل دهنده‌ی یکی از ابعاد یا ویژگی‌های این «فارسی‌آموزِ داستانی» هستند و در کنار هم، سازنده‌ی کتابی هستند که کودک را پا به پای یادگیری‌های مدرسه‌ای، به تعمیق و کاربست شوق‌مندانه‌ی آن آموخته‌ها یاری می‌دهد.

این کتاب، کتابِ خواندنیِ اولین سال تحصیل است و یک سال، گام به گام، همراه او پیش می‌آید. او آنچه را در کلاس می‌آموزد، به گونه‌ای گسترده‌تر، با واژه‌هایی تازه و داستان‌هایی که حالا خود می‌تواند بخواند، در این کتاب می‌یابد. کودک، در ابتدای سال تحصیلی، وقتی اولین حروف را می‌آموزد، قدرت محدودی برای خواندن دارد. از این رو، نخستین داستان‌های این کتاب بیشتر تصویری هستند و کودک به شیوه‌ی تصویرخوانی، همان معدود حروف یاد گرفته را به صورت ساختارهای ادبی و دستوری در ذهن خود مرور می‌دهد. امّا با توسعه‌ی حروف، قدرت فارسی‌خوانیِ او افزایش می‌یابد و این کتاب نیز اندک اندک بر حجم خواندنی‌های واژگانی خود می‌افزاید؛ ولی با این حال، چیزی از تصویرخوانیِ داستانیِ خود نمی‌کاهد. زیرا هنوز فضای تخیّلی داستان‌ها نیازمند واژه‌هایی هستند که کودک نمی‌تواند آنها را بخواند؛ امّا می‌تواند در تصویر، آنها را بیابد.

باشد که این کتاب علاوه بر تقویت فارسی‌آموزی، نخستین کتاب خواندنی کودکان باشد.



پَس‌اَنداز

نَمَکی دوست دارد پَس‌اَنداز کُند.

پَس او باید کوشِش کند تا در این کار پیروز شَوَد.

نَمَکی یِک پاکَت دُرُست می‌کُنَد.









او کَم‌کَم پاکت را پُر می‌کند.
نمکی می‌بینَد که پاکت پُر شُده است.
او با شادی توپ را بَر زَمین می‌زَنَد، سِپَس می‌پَرَد.
نمکی، پَریدَن را دوست دارد.
نمکی، پَرواز کَردن را دوست دارد.
او پس‌انداز کردن را نیز دوست دارد.
نمکی! این پیروزی مُبارَک باد.











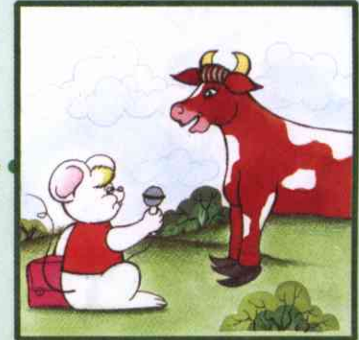
زِرَنگ کیست؟

داستانِ امروزِ ما درباره‌ی موشی است که دوست دارد زِرَنگ باشد و نِمی‌دانَد زِرَنگ کیست.

پَس او نَزدِ دوستانَش می‌رَوَد تا بِپُرسَد: "زرنگ کیست؟"





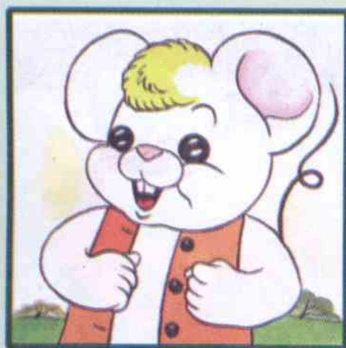




موش‌موشَک به گاوِ بُزُرگی می‌رسد و می‌گویَد: "گاوِ بُزُرگ، به من بِگو زرنگ کیست؟"
گاو می‌گویَد: "زرنگ کَسی است که کارَش را به گَردَنِ دیگَران نَیَندازَد."
موش‌موشَک از سَگ که گوشتی را به دَندان گِرِفته است می‌پُرسَد: "زرنگ کیست؟"
سَگ می‌گوید: "زرنگ کسی است که به دیگَران کُمَک کند."
موش از گربه می‌پُرسَد: "گربه، بِگو زرنگ کیست؟"
گربه می‌گوید: "زرنگ کسی است که بیشتَر کار کُنَد." موش‌موشک دَوان‌دَوان به اسب می‌رسد و می‌پرسد: "راستی، شُما می‌تَوانی بِگویی زرنگ کیست؟" اسب می‌گوید: "زرنگ کسی است که بتوانَد بارَش را بِکِشد." دوستانِ موش‌موشک دَرسِ بُزُرگی به او داده‌اند. او می‌نِشینَد و می‌گوید: "باید بیشتر کار کنم. باید بیشتر کوشِش کنم. باید کارم را زود تَمام کنم. باید زرنگ باشم..." آری، او یاد می‌گیرد که: اگر کسی کارِ نیک بکند، زرنگ است. اگر کسی کارش را دُرُست تَمام کند، زرنگ است. اگر کسی کارش را زود تمام کند، زرنگ است.











سِفیدبَرفی و فِرِشته

اِسفَند بود. سِفیدبَرفی در کِنارِ سُفره‌ای از بَرف نِشَسته بود.

بَرف بَدَنِ او را پوشانده بود.

او کَفشی از بَرف به پا داشت.









شَب که می‌شُد، فرشته‌ای از آسمان فرود می‌آمد. سفیدبرفی در زیرِ نورِ فانوس، فِرفِره دُرُست می‌کَرد، تا با فِرِشته بازی کُنَد.

آن شَب، فِرِشته دیر به زمین فرود آمد.

فِرِشته بیمار شُده بود و سُرفه می‌کرد.

آن شَب، سِفیدبَرفی تا بیرون آمدَنِ آفتاب، بیدار ماند و از فرشته پَرَستاری کرد.

او و فِرِشته دوستانی با وَفا بودند.

روز که شُد، سفیدبرفی اِسفَند را نَدید.

اِسفَند رَفته بود و فَروَردین آمده بود. او نیز به فِکرِ سَفَر اُفتاد.

فرشته فَریاد زَد: "سفیدبرفی، دوستِ فَداکارِ مَن!" به اُمیدِ دیدار! و سفیدبَرفی دَست تِکان داد و رَفت.

او فِرِشته را دوست داشت.









خُروسِ دُم‌دِراز و موشِ نادان

در زیرِ آسِمانِ آبی و نَزدیکِ رودخانه‌ای پُرآب، خُروسِ دانا با شاخه‌ی دِرَختِ خُرما، خانه‌ای زیبا ساخته بود.

در کِنارِ آن رودخانه، موشِ نادانی بود که کارَش مَسخَره کَردَنِ این و آن بود.









او نِمی‌دانِست که مَسخَره کردن، کارِ بَدی است.

موشِ نادان زَمانی‌که به خُروسِ دانا می‌رسید، دُمِ دِرازِ او را مَسخَره می‌کرد و می‌خَندید.

خروسِ دانا به او پاسُخی نِمی‌داد. روزی، موشِ نادان که بر سَرِ دِرَخت رفته بود تا رودخانه را خوب تَماشا کُنَد، در آب اُفتاد.

آخ، آخ! او کَم مانده بود که خَفه شَوَد.

خروسِ دانا به کُمَکِ موش رفت. او دُمِ دِرازَش را در آب اَنداخت تا موش را بیرون آوَرَد. موش که به سَختی نَفَس می‌کِشید، از آب بیرون آمد.

موشِ نادان از کارِ بَدَش شَرمَنده بود. رَنگَش سُرخ شده بود. رو به خُروس کرد و گُفت: "خروسِ دانا، من را بِبَخش. از این که شُما را مسخره کردم، پَشیمانَم!"

خُروسِ دانا او را بَخشید. خُروسِ دانا، دَرسِ خوبی به موش داد آن دَرس این بودکه: "دوستی کردن، کارِ خوبی است و مسخره کردن کارِ نادانان است".

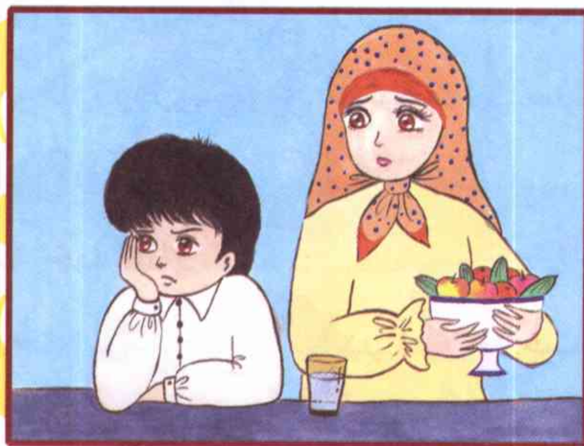








ق ـ ق



نِق‌نِقو

قاسِم پِسَری نِق‌نِقو بود.

وَقتی مادَرَش به او میوه و... می‌داد، او نِق می‌زَد و نمی‌گِرِفت.

قاسِم نِمی‌دانِست که نِق زَدَن کارِ خوبی نیست.









یک روز، وَقتی با بَرادَرَش قادِر، در پارک قَدَم می‌زَد، کودَکِ فَقیری را دید.

قاسم و قادر نانِشان را با او تَقسیم کردند.

پِسَرَک شاد شُد.

قاسِم، به فِکر اُفتاد...

از آن روز، قاسم دیگر نِق نِمی‌زَنَد.

خُداوَند را شُکر می‌کُنَد و به اَفرادِ فَقیر، کُمَک می‌کند.

او می‌دانَد که نِق زَدَن کارِ بَدی است.





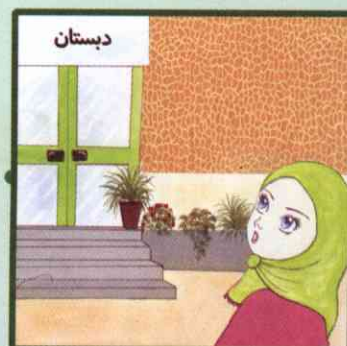






کودَکِ مُسَلمان

لاله خانُم، اِمسال به مَدرِسه می‌رَوَد.
او تَلاش مِی‌کُنَد دَرس را خوب یاد بِگیرد.
او کودَکی مُسَلمان و با ایمان است.









او پَیامبَرِ اِسلام، رَسولِ اَکرَم(ص) را خِیلی دوست دارد.

او دُختَری راست‌گو و دُرُست‌کار است و قَلبِ نازَنین او پُر از خوبی است.

او کودَکی سالِم و تَمیز است.

لاله به دیگَران سَلام می‌کند.

از لوس بودَن بَدَش می‌آیَد و دختری با اَدَب است.

آری، سَرزَمینِ خوبِ ما ایران، پُر از کودکانِ خوبی مانَندِ لاله است.







ناشر برگزیده سال‌های ۸۰ و ۸۲

فارسی‌آموزِ داستانی، نخستین کتاب خواندنیِ
کلاس اوّلی‌هاست و در نخستین سال تحصیل،
گام به گام با کلاس اوّلی‌ها پیش می‌رود تا آنان بتوانند
آموخته‌های مدرسه‌ای خود را در داستان‌های این کتاب
به محک آزمایش و تجربه بگذارند.
کودک کلاس اوّلی، در هر مرحله‌ای از سال تحصیلی که باشد،
همان مرحله از فارسی‌آموزِ داستانی را
به راحتی می‌تواند بخواند و با هیچ کلمه‌ای که حروف
آن را نخوانده باشد، مواجه نمی‌شود.
از این رو:

فارسی‌آموزِ داستانی
کتابِ خواندنی کلاس اوّلی‌هاست

مؤسسهٔ فرهنگی منادی تربیت
ISBN:978-964-348-393-7
9 789643 483937